

بررسی جایگاه هوش اخلاقی در کتاب‌های خوانداری دوره‌ی ابتدایی

جابر افخاری*^۱، فیمه مسلمی^۲، حجت افخاری^۳، عبدالوهاب سماوی^۴

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲	هوش اخلاقی همانند نوعی جهت‌یاب برای اقدام به عمل درست و توانایی کاربرد اصول اخلاقی در تعامل با دیگران است. این اصول حاصل وراثت نمی‌باشند، بلکه افراد یاد می‌گیرند که چگونه خوب باشند. با توجه به اینکه هوش اخلاقی یکی از مؤلفه‌های مهم تربیت کودکان به شمار می‌آید و می‌تواند به رشد فردی و اجتماعی کودکان کمک کند، هدف این پژوهش بررسی مؤلفه‌های هوش اخلاقی بوربا در کتاب‌های خوانداری دوره ابتدایی است. این پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل محتواست و منابع مورد تحلیل این پژوهش پنج جلد کتاب خوانداری درسی دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ و ابزار پژوهش سیاهه تحلیل محتوا با توجه به مؤلفه‌های هوش اخلاقی بود. به این صورت که پس از مشخص کردن مؤلفه‌های مورد نظر به‌عنوان ملاک‌های تحلیل و تعیین بند، پرسش و تصویر هر درس به‌عنوان واحد تحلیل، با استفاده از تکنیک ویلیام رومی محتوای کتاب‌های مذکور تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که میزان توجه محتوای کتب خوانداری دوره ابتدایی به مؤلفه‌های هوش اخلاقی بیشتر از ۰/۵ می‌باشد. در این میان کتاب خوانداری پایه دوم با ضریب درگیری ۰/۶۹ دارای کمترین ضریب درگیری و کتاب خوانداری ششم با ۰/۹۳ دارای بیشترین ضریب درگیری هستند. افزون بر این، میزان توجه کتاب‌ها به مؤلفه‌ها به صورت متوازن نمی‌باشد و در این میان مؤلفه احترام بیشترین فراوانی و مؤلفه وجدان کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین ضریب درگیری محتوای کتاب‌های یادشده از نظر پرداختن به مؤلفه‌های هوش اخلاقی بوربا به صورت نیمه‌فعال بوده و در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند. بنابراین پیشنهاد می‌شود ضمن بازنگری و ویرایش محتوای این کتاب‌ها، به مؤلفه‌های هوش اخلاقی توجه بیشتری شود.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲	
نوع مقاله: پژوهشی	
واژگان کلیدی	
تحلیل محتوا، هوش اخلاقی، بوربا، خوانداری، دوره ابتدایی.	

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه

اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، گروه مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز،

شیراز، ایران.

۳. دکتری برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

۴. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

مقدمه

اخلاق رشته‌ای در حد فاصل فلسفه و روان‌شناسی است که براساس نظریه‌های شکل‌گیری و رشد اخلاقی، چندین عامل از قبیل طبیعت کمال‌جو، توانایی بالقوه تمیز خوب از بد، انگیزش‌ها و عواطف انسانی، رشد تفکر و قضاوت شناختی، تجارب عینی و رفتاری فرد و محیط اجتماعی، فرهنگی و آموزشی در تکامل و رشد آن تأثیر دارند. در این بین عامل محیط اجتماعی، فرهنگی و آموزشی دارای ارتباط متقابل و توان تأثیرگذاری بر دیگر عوامل می‌باشد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴). افزون بر این تربیت اخلاقی از یک‌سو به جایگاه اخلاق در نظام اجتماعی و نقشی که اخلاق در سعادت فردی و اجتماعی انسان دارد و از سوی دیگر به ارتباط و درهم‌تنیدگی شدید اخلاق و تربیت مربوط می‌شود. در این راستا فیلسوفان پیشین نظیر سقراط، افلاطون و ارسطو هدف اصلی آموزش و پرورش را پروردن انسان‌هایی آراسته به هنرهای اخلاقی مانند دانایی، دادگری و خویش‌داری معرفی کرده‌اند (گوتک^۱، ۱۳۹۸). از میان فیلسوفان معاصر اسپینوزا و روسو اخلاق را به‌عنوان جنبه برتر انسان ستوده‌اند و کانت ارجمندی انسان را منوط به اخلاق دانسته و تربیت اخلاقی را عالی‌ترین مرتبه تربیت می‌داند (شکوهی، ۱۳۹۰).

در سال‌های اخیر تربیت اخلاقی دستخوش تغییرات عمده‌ای شده است که می‌توان به نسبی‌گرایی اخلاقی و فاصله‌گرفتن از دین و معنویت اشاره نمود. نتیجه چنین شرایطی پرورش افرادی است که با وجود شناخت ارزش‌ها، اعمال و رفتارشان اخلاقی نمی‌باشد (سجادی، ۱۳۷۹). در این زمینه کودکانی که به هر دلیلی نتوانسته‌اند مهارت‌های هوش اخلاقی را کسب کنند، به دلیل وجدان متزلزل، ضعف در مهارکردن تکانه‌ها و امیال، رشدنیافتگی حساسیت‌های اخلاقی و باورهایی که به‌طور نادرستی هدایت شده‌اند، در معرض خطرهای جدی قرار دارند (خالقی و چناری، ۱۳۹۳)؛ لذا با افزایش مشکلات اخلاقی، گرایش روزافزونی نسبت به آموزش اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در محیط‌های آموزشی شکل گرفته است. به‌صورتی که تربیت شایسته قرن حاضر، تعلیم و تربیت اخلاقی قلمداد شده است (گل‌محمدیان، فرح‌بخش و اسمعیلی، ۱۳۹۲).

در میانه این بحث‌ها، هوش اخلاقی برای نخستین بار توسط بوربا^۲ مطرح شد. او هوش اخلاقی^۳ را ظرفیت و توانایی درک و تشخیص درست از نادرست، داشتن اعتقادات قوی اخلاقی و عمل به آن‌ها و رفتار در مسیر درست تعریف نمود و در پژوهش‌های خود به بررسی هوش اخلاقی در مباحث روان‌شناسی کودکان پرداخت. او برای پرورش هوش اخلاقی هفت مؤلفه همدلی (همدردی با مردم و درک نگرانی آنها)، وجدان (شناخت راه درست و محترمانه عمل کردن)، خویش‌داری (مهارکردن اعمال و افکار خود به شیوه‌ای صحیح)، احترام (ارزش قائل شدن برای دیگران)، مهربانی (نشان‌دادن علاقه به رفاه و احساسات دیگران)، بردباری (احترام گذاشتن به حقوق

1. Gotek

2. Borba

3. moral intelligence

همه مردم) و انصاف (عادلانه و غیر مغرضانه رفتار کردن) را معرفی نمود. از نظر او اساس هوش اخلاقی را سه مؤلفه همدلی، وجدان و خویشتن‌داری تشکیل می‌دهد (بوربا، ۱۳۹۰). مبنی بر اینکه رشد اخلاقی یک فرایند در حال پیشرفت در زندگی افراد است با گذشت زمان و پیشرفت افراد هوش اخلاقی در آن‌ها نیز افزایش می‌یابد (لنیک و کیل^۱، ۲۰۱۳)؛ لذا انسان برای رفتار اخلاقی بیش از هر چیز به این مؤلفه‌ها نیاز دارد تا بتواند در برابر هرگونه فشاری که رفتارهای مربوط به منش استوار زندگی اخلاقی را تهدید می‌نماید، مقاومت کند (بوربا، ۲۰۱۸). پس هوش اخلاقی به ظرفیت ذهنی ما برای تصمیم‌گیری درباره اینکه چگونه اصول انسانی جهان‌شمول می‌بایست در ارزش‌ها، اهداف و افعال ما به کار گرفته شود اشاره می‌کند. همچنین باید دانست که پرورش هوش اخلاقی مشروط به عوامل جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، نژاد و ملیت نبوده و مهارتی اکتسابی و قابل یادگیری است که می‌توان آن را از طریق تعامل بین محیط و فرد آموزش داد. در این راستا بهترین زمان برای آموزش این مهارت از تولد تا نوجوانی است؛ یعنی همان زمانی که ارزش‌های اخلاقی در حال شکل‌گیری است (لنیک و کیل، ۲۰۰۷).

اگرچه ارتقای سواد و تربیت اخلاقی از دیرباز مورد توجه آموزش و پرورش بوده است (جنیفر^۲، ۲۰۲۰) اما با گسترش روابط و پیچیده شدن امور انسانی، ضرورت پرداختن به هوش اخلاقی در مدارس دوچندان شده است (عارف و همکاران^۳، ۲۰۱۹)؛ رضایپور میر صالح و همکاران، (۱۳۹۶). بنابراین مدارس باید تربیت اخلاقی را به عنوان بخشی از برنامه آموزشی خود مد نظر قرار دهند (تام^۴، ۱۹۸۴). زیرا هر جامعه‌ای برای ادامه حیات و تبیین این مسئله که چه چیزی در زندگی معنادار است و مردم باید تحت سیطره چه هنجارهای اخلاقی باشند، به برنامه‌ای اصولی و پاسخی منطقی نیاز دارد (عطاران، ۱۳۸۲).

با این توصیف، در سال‌های اخیر هوش اخلاقی به عنوان یک ابزار کارآمد در مدیریت رفتارهای اجتماعی مورد توجه جهانیان قرار گرفته و از عوامل تعیین‌کننده میزان رفتارهای اخلاقی و درجه آمادگی افراد برای زیست اخلاقی می‌باشد (بوربا، ۱۳۹۰)؛ لذا تسهیل شرایط برای پرورش ویژگی‌های اخلاقی و ارزیابی وضعیت آن در مدرسه به یکی از خطرناک‌ترین دغدغه‌های کارگزاران تربیتی در نظام‌های آموزشی تبدیل شده است (گیوردمینا و زمیت^۵، ۲۰۱۹). از این رو بر اهمیت و ضرورت تمرکز و توجه برنامه‌ریزان و مؤلفان کتب درسی به اخلاق در دوران تحصیل به‌ویژه در دوره ابتدایی نسبت به آنچه در حال حاضر وجود دارد، اذعان شده است (مالون^۶، ۲۰۲۰). به صورتی که هوش

1. Lennick & Kiel
2. Jennifer
3. Arif & et al
4. Tom AR
- 5 Giordmaina & Zammit
6. Malone

اخلاقی را می‌توان به‌عنوان مبنایی برای برنامه‌های آموزشی مدرسه در نظر گرفت. بر همین پایه تأکیدهای بسیاری در اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش بر لزوم ایجاد شرایط برای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان شده است، اما نتایج برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در عمل برای استفاده از راهبرد مناسب در زمینه تربیت اخلاقی و ایجاد تناسب بین اهداف، محتوا، روش‌ها و ابزار رویه‌های اثرگذار صورت نپذیرفته است (حکیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

برای نمونه، حیات‌بخش و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که برای افزایش اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان، استفاده از آموزش هوش اخلاقی مؤثر است. یافته‌های پژوهش دلبری و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد که همه مولفه‌های هوش اخلاقی شامل درستکاری، مسئولیت‌پذیری، بخشش، دلسوزی، ارزش‌های اخلاقی و مهارت‌های ارتباطی بر سرمایه اجتماعی و خودآگاهی تأثیر مستقیم و معنادار داشته است. نتیجه پژوهش عابدینی بلترک (۱۳۹۸) حاکی از این بود که تربیت اخلاقی آن‌طور که باید در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی مورد توجه قرار نگرفته است. نتیجه پژوهش یادگاری و همکاران (۱۳۹۸) از کم‌توجهی مدارس نسبت به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان و در اولویت نبودن آن حکایت دارد. مشفق و لطیفی (۱۳۹۸) در مطالعه خود اظهار داشته‌اند که برپایه ظرفیت شیوه‌های فعال و با استفاده از روش‌های قصه‌گویی، ایفای نقش، بحث و گفت‌وگو، رنگ‌آمیزی، بارش مغزی، شعرخوانی و اجرای نمایش می‌توان زمینه لازم برای ارتقای هوش اخلاقی دانش‌آموزان را فراهم آورد. جوادی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی بیان داشته‌اند که با توجه به تأثیر آموزش هوش اخلاقی بر افزایش معنادار بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان و با توجه به نیاز جامعه به انسان‌های سالم، بانشاط و مولد، آموزش هوش اخلاقی به دانش‌آموزان توصیه می‌شود. کهریزه و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی دریافتند که قصه‌گویی به‌تدریج با انتقال پیام‌های اخلاقی به کودکان، باعث افزایش هوش اخلاقی در آنها می‌شود. رضاپور میرصالح و شاهدی (۱۳۹۶) در پژوهشی بیان کردند که آموزش هوش اخلاقی با ارتقای روابط بین فردی، اجتماع‌پذیری و فعالیت دانش‌آموزان موجب بهبود رفتارهای اخلاقی آنها می‌شود. نتیجه پژوهش رضاپور میرصالح و همکاران (۱۳۹۶) حاکی از این بود که آموزش هوش اخلاقی به کودکان می‌تواند یک روش مداخله‌ای مناسب جهت ارتقای عملکرد رفتاری و روابط اجتماعی آنها باشد. براساس یافته‌های پژوهش حسنی و وجدانی (۱۳۹۵) به‌نظر می‌رسد الگوی تربیت اخلاقی کتاب‌های درسی قرآن ساده است و آن‌گونه که باید تأمل‌های اساسی و دقیقی در آن صورت نگرفته است. یافته‌های پژوهش علی‌اکبری و همکاران (۱۳۹۳) حاکی از این بود که می‌توان از قصه‌گویی به‌عنوان یک روش آموزشی غیرمستقیم و متناسب با دنیای کودکی با توجه به آموزه‌های خاص و هدفمند اخلاقی بهره گرفت. نتایج پژوهش افکاری (۱۳۹۳) نشان داد که با توجه به محوریت اساسی کتب درسی در جریان تعلیم و تربیت در آنها به مسئله مهمی چون تربیت اخلاقی به‌طور جدی و علمی پرداخته نشده است. یافته‌های پژوهش حکیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)

نشان داد محتوا کتب درسی مدارس متوسطه با نهادینه‌کردن ارزش‌های اخلاقی در دانش‌آموزان مطابقت ندارد. نتایج پژوهش آتشک و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که در محتوای کتب فارسی، بیشترین توجه به مؤلفه ادب مهربانی و کمترین میزان توجه به مؤلفه حیا و عفت بوده است. نتایج پژوهش رستمی (۱۳۹۰) نشان داد که در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بیشترین توجه به مؤلفه‌های دوستی و رفاقت، ادب و نزاکت، مسئولیت‌پذیری و تعهد، وفاداری و وظیفه‌شناسی و کمترین میزان توجه به مؤلفه فراخ‌اندیشی، صداقت و درستکاری، بی‌طرفی، انصاف، عدالت و برابری و صلح بوده است. صالح (۲۰۱۸) در پژوهشی بیان کرد با نگاهی به سیستم آموزشی و با توجه به اوج بی‌اخلاقی در جامعه، آموزش هوش اخلاقی را باید با جدیت از کودکان شروع کنیم؛ زیرا آنها هستند که پویایی آینده را تعیین می‌کنند. نتیجه پژوهش آلتان^۱ (۲۰۱۷) نشان داد که به جای پرداختن به حقوق بشر، دموکراسی و حقوق شهروندی در برنامه‌های درسی، تمرین فعالیت‌های هوش اخلاقی می‌تواند شهروندانی ماهرتر و متعهدتر در زمینه عدالت اجتماعی تربیت نماید. شانون و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی بیان کردند که اخلاق و ویژگی‌های اخلاقی در شکل‌گیری اعتماد در سازمان تأثیرگذار است و به بهبود فرایند و ارتباطات سازمانی منجر می‌شود. یافته‌های پژوهش گینی، پزولی و هیمل^۳ (۲۰۱۴) نشان داد کودکانی که هوش اخلاقی بالایی دارند، صمیمیت بیشتری نسبت به دیگران نشان می‌دهند، با دوستان خود مهربان‌اند و به نیازهای آنها حساس هستند. تنر و کریستن^۴ (۲۰۱۴) طی پژوهشی دریافتند که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر هوش اخلاقی، میزان مشارکت افراد در اعمال خیر اجتماعی، تشویق و حمایت دولت از رعایت اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها و آموزش به خانواده‌ها برای آشنایی فرزندان با این مفهوم از دوران کودکی است. نارواژ^۵ (۲۰۱۳) طی پژوهشی دریافت معلمانی که هوش اخلاقی بالایی دارند در اداره کلاس درس نیز موفق هستند.

با توجه به مطالب گفته‌شده، تربیت اخلاقی پرسش‌های گسترده‌ای از مبانی، اصول، اهداف، محتوا و روش‌ها را در بر می‌گیرد که پاسخگویی به آنها نیازمند بررسی‌های کمی و کیفی فراوانی است. از این رو پژوهش‌های بنیادی در قلمرو تربیت اخلاقی یکی از نیازهای اساسی جوامع بشری از جمله کشور ماست (حقیقت و مزیدی، ۱۳۸۷)؛ لذا محتوای دروسی مانند ادبیات، تعلیمات دینی، روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی، تاریخ، منطق و فلسفه بسیار سودمند بوده و از ظرفیت بسیار خوبی برای پرورش تربیت اخلاقی برخوردارند. در این میان ادبیات به‌خصوص صور داستانی، حکایتی و روایتی آن از قابلیت و تناسب بیشتری با مراحل رشد کودکان و نوجوانان برخوردار است؛ زیرا

1. Altan
2. Shannon & et al
3. Gini & et al
4. Tanner & Christen
5. Narvaez

با شخصیت‌های داستان احساس همدلی و همذات‌پنداری بیشتری پیدا می‌کنند (شمشیری، ۱۳۹۹). در این زمینه کتاب خواننداری از کتاب‌های اساسی دوره ابتدایی است که افزون بر تحقق اهداف زبان‌آموزی باید ایفاگر نقش‌ها و فعالیت‌های گوناگون ارزشی، نگرشی، ادبی و مهارت‌های زندگی با توجه به عناصر پنجگانه علم، ایمان، اخلاق، عمل و تفکر باشد و دانش‌آموزان را برای زیستن متعالی آماده کند. به صورتی که در خلال متن درس‌ها، داستان‌ها و شعرها مفاهیمی مطرح شده است که به صورت ضمنی دانش‌آموزان را با مسائل گوناگون زندگی اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، دینی، ملی و هنری آشنا می‌سازد. با این توصیف، با مرور پیشینه پژوهش می‌توان دریافت اگرچه پژوهش‌هایی در زمینه هوش اخلاقی صورت پذیرفته است، اما پژوهشی یافت نشد که به بررسی مؤلفه‌های هوش اخلاقی در کتب درسی به‌ویژه در کتاب‌های خواننداری پرداخته باشد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان برخورداری کتاب‌های خواننداری دوره ابتدایی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی با روش تحلیل محتوا انجام شد تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. متن کتاب خواننداری پایه‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم دوره ابتدایی به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های هوش اخلاقی درگیر می‌سازد؟
۲. پرسش‌های کتاب خواننداری پایه‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم دوره ابتدایی به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های هوش اخلاقی درگیر می‌سازد؟
۳. تصاویر کتاب خواننداری پایه‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم دوره ابتدایی به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های هوش اخلاقی درگیر می‌سازد؟
۴. محتوای کتاب خواننداری (متن، پرسش‌ها و تصاویر) پایه‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم دوره ابتدایی به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های هوش اخلاقی درگیر می‌سازد؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به منظور توصیف و بیان وضعیت کتاب‌های درسی خواننداری دوره ابتدایی از منظر توجه به مؤلفه‌های هوش اخلاقی از روش مراجعه به اسناد و تکنیک تحلیل محتوا سود برده است. با توجه به هدف پژوهش، کتاب‌های خواننداری به‌عنوان محتوایی که می‌توانستند شاخص توجه به مفهوم هوش اخلاقی در دوره ابتدایی باشند، مد نظر قرار گرفتند. منابع مورد مطالعه و تحلیل در این پژوهش، کتاب‌های خواننداری دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری معطوف به هدف، از مجموعه کتاب‌های دوره ابتدایی انتخاب شدند.

به‌منظور بررسی محتوای کتاب‌های خواننداری دوره ابتدایی از روش ویلیام رومی^۱ (۱۹۸۶) در پردازش واحدهای تحلیل و تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با این کتاب‌ها از لحاظ میزان

توجه به مؤلفه‌های هوش اخلاقی استفاده شده است. در این پژوهش مؤلفه‌های هوش اخلاقی براساس نظریه هوش اخلاقی بوربا (۲۰۰۵) تعیین گردید که شامل «همدلی»، «وجدان»، «خویش‌داری»، «احترام»، «مهربانی»، «بردباری» و «انصاف» هستند. بنابراین مؤلفه‌های پژوهش، ویژگی از پیش تعیین شده داشته و با معیار قرارداد آنها به تعیین ویژگی هوش اخلاقی در کتاب‌های خوانداری دوره ابتدایی پرداخته شد. به این صورت که بر اساس عملیات برش، واحد تحلیل‌های زمینه را در محتوای کتاب‌ها به سه بخش متن، پرسش‌ها و تصاویر تقسیم کرده و در مرحله بعد واحدهای ثبت مربوط به همان واحد زمینه مشخص و از یکدیگر تفکیک شدند. در قسمت متن، پاراگراف و در قسمت پرسش‌ها و تصاویر هر پرسش و تصویر به عنوان یک واحد تحلیل در نظر گرفته شد. پس از عملیات برش و طبقه‌بندی محتوا در واحدهای مشخص، عملیات محاسبه میزان پرداختن هر یک از کتاب‌ها به مؤلفه‌های هوش اخلاقی انجام گرفت و هرکدام از این مؤلفه‌ها در جدولی که براساس محتوای کتاب‌ها تنظیم شده بود قرار گرفته و فراوانی مؤلفه‌ها در کتاب‌های منتخب تعیین و ذیل ستون‌های جدول ثبت گردید. در مرحله پردازش داده‌ها از روش تحلیل محتوای ویلیام رومی استفاده شد. طبق این روش، ضریب درگیری از طریق تقسیم مجموع فراوانی واحدهای مرتبط با هوش اخلاقی بر مجموع فراوانی واحدهای غیر مرتبط با هوش اخلاقی به دست می‌آید. به صورتی که اگر ضریب درگیری به دست آمده بیشتر از ۰/۵ باشد، حاکی از این می‌باشد که ۲۵ درصد واحدهای تحلیل، مرتبط با مؤلفه‌های هوش اخلاقی هستند و نشان‌دهنده ضریب درگیری نیمه‌فعال و وضعیت نسبتاً مطلوب کتاب از منظر توجه به مؤلفه‌های هوش اخلاقی و اگر ضریب درگیری به دست آمده ۱ باشد، حاکی از این می‌باشد که ۵۰ درصد واحدهای تحلیل، مرتبط با مؤلفه‌های هوش اخلاقی هستند و نشان‌دهنده ضریب درگیری فعال و وضعیت مطلوب کتاب از نظر برخورداری از مؤلفه‌های هوش اخلاقی می‌باشد (امیرتیموری، زارع، ساریخانی و سالاری، ۱۳۹۲). همچنین به منظور محاسبه درصد‌های موجود در جدول، مجموع واحدهای تحلیل (واحدهای مرتبط و غیرمرتبط) را ۱۰۰ درصد در نظر گرفته و درصد هر یک از مؤلفه‌ها با استفاده از جدول تناسب از مجموع واحدهای تحلیل (۱۰۰ درصد) محاسبه شد.

به منظور اطمینان از روایی پژوهش، مؤلفه‌های هوش اخلاقی از دیدگاه بوربا در اختیار سه تن از استادان دانشگاه هرمزگان قرار داده شد تا نظرات خود را مبنی بر اینکه مؤلفه‌های هوش اخلاقی بوربا می‌توانند به عنوان معیاری جهت تشخیص هوش اخلاقی در کتاب‌های مورد مطالعه در نظر گرفته شوند، ارایه نمایند که ضریب همبستگی پیرسون ۰/۸۱ محاسبه گردید. همچنین پژوهشگران به منظور تعیین پایایی، به صورت تصادفی تعدادی از واحدهای تحلیل کتاب‌های خوانداری را انتخاب و هرکدام را با توجه به ارتباطشان با مؤلفه‌های هوش اخلاقی در مقابل

مقوله مربوط قرار دادند. سپس از همان اساتید مجدداً درخواست شد تا نظرات خود را در مورد تخصیص درست یا نادرست ویژگی هوش اخلاقی به واحدهای تحلیل منتخب مشخص نمایند. در نهایت ضریب همبستگی بین مقوله‌های تشخیص داده شده توسط نمره‌گذاران، ۰/۷۴. محاسبه شد که حاکی از ثبات نسبتاً مطلوب در تخصیص واحدهای تحلیل مرتبط با هوش اخلاقی بود.

یافته‌های پژوهش

پس از بررسی واحدهای تحلیل در کتاب‌های خواننداری دوره ابتدایی، نتایج به دست آمده از بررسی‌های انجام شده در چهار جدول به تفکیک پایه تحصیلی، متن، پرسش‌ها، تصاویر و کل محتوا (متن، پرسش و تصویر) که در زیر مشاهده می‌شود، آورده شده است. محتوای هر جدول نشان‌دهنده تعداد پاراگراف‌ها، پرسش‌ها و تصاویری است که در هر یک از مؤلفه‌های هوش اخلاقی بویا قرار گرفته‌اند. همچنین در هر جدول تعداد کل واحدهای تحلیل مرتبط و غیرمرتبط موجود در متن، پرسش‌ها و تصاویر، تعداد کل واحدها، نسبت واحدهای مرتبط به غیرمرتبط و درصد هر یک به تفکیک آورده شده است و نتایج به دست آمده از هر پایه تحصیلی و مجموع پایه‌ها در جدول شماره ۴ آورده شده است.

سؤال اول: متن کتاب خواننداری پایه‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم دوره ابتدایی به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های هوش اخلاقی درگیر می‌سازد؟

با توجه به نتیجه حاصل از تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با متن کتاب خواننداری پایه دوم، سوم، چهارم و پنجم (۰/۵۸، ۰/۶۱، ۰/۷۰ و ۰/۸۶) در جدول شماره ۱، می‌بینیم که ضریب درگیری عددی بزرگتر از ۰/۵ است و نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که بیشتر از ۲۵ درصد واحدهای تحلیل متن، به هوش اخلاقی پرداخته‌اند. بنابراین ضریب درگیری متن کتاب‌های یادشده از نظر پرداختن به مؤلفه‌های هوش اخلاقی بویا به صورت نیمه‌فعال می‌باشد و در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند. نتیجه حاصل از تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با متن کتاب خواننداری پایه ششم (۱/۰۱) در جدول شماره ۱، نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد واحدهای تحلیل متن به مؤلفه‌های هوش اخلاقی پرداخته‌اند و این نشان‌دهنده ضریب درگیری فعال و وضعیت مطلوب متن این کتاب از نظر برخورداری از مؤلفه‌های هوش اخلاقی می‌باشد و در بین کتاب‌های خواننداری دوره ابتدایی، متن کتاب خواننداری ششم بیشترین ضریب درگیری را به خود اختصاص داده است. همچنین از مجموع ۱۷۷۳ واحد مورد تحلیل متن، ۷۷۱ واحد تحلیل مشمول مؤلفه هوش اخلاقی می‌گردند که این تعداد از مؤلفه‌های هوش اخلاقی برابر ۴۳/۴۸ درصد کل متن کتب یادشده می‌باشد و از هفت مؤلفه هوش اخلاقی که مورد بررسی قرار گرفت، مؤلفه احترام با ۸/۰۶ درصد فراوانی، بیشترین درصد فراوانی و مؤلفه وجدان با ۵/۰۷ درصد فراوانی، کمترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱: فراوانی مؤلفه‌های هوش اخلاقی در متن کتب خوانداری دوره ابتدایی

مؤلفه‌ها	هدلی	وجدان	خوبیستن داری	احترام	مهربانی	بردباری	انصاف	واحدهای مرتبط	واحدهای غیر مرتبط	واحدهای تحلیل	ضریب درگیری (ISE)
پایه دوم	۱۰	۷	۱۶	۲۱	۱۹	۱۴	۱۷	۱۰۴	۱۷۷	۲۸۱	۰/۵۸
درصد	۳/۵۵	۲/۴۹	۵/۶۹	۷/۴۷	۶/۷۶	۴/۹۸	۶/۰۴	۳۷/۰۱	۶۲/۹۸	۱۰۰	۰/۵۸
پایه سوم	۱۵	۱۲	۸	۲۷	۲۳	۱۱	۱۹	۱۱۵	۱۸۶	۳۰۱	۰/۶۱
درصد	۴/۹۸	۳/۹۸	۲/۶۵	۸/۹۷	۷/۶۴	۳/۶۵	۶/۳۱	۳۸/۲۰	۶۱/۷۹	۱۰۰	۰/۶۱
پایه چهارم	۲۱	۱۶	۱۷	۲۶	۲۴	۲۵	۱۸	۱۴۷	۲۰۹	۳۵۶	۰/۷۰
درصد	۵/۸۹	۴/۴۹	۴/۷۷	۷/۳۰	۶/۷۴	۷/۰۲	۵/۰۵	۴۱/۲۹	۵۸/۷۰	۱۰۰	۰/۷۰
پایه پنجم	۲۹	۲۷	۲۱	۳۲	۲۷	۲۸	۲۱	۱۸۵	۲۱۳	۳۹۸	۰/۸۶
درصد	۷/۲۸	۶/۷۸	۵/۲۷	۸/۱۸	۸/۰۴	۷/۰۳	۵/۲۷	۴۶/۴۸	۵۳/۵۱	۱۰۰	۰/۸۶
پایه ششم	۳۲	۲۸	۳۹	۳۷	۲۶	۳۲	۲۶	۲۲۰	۲۱۷	۴۳۷	۱/۰۱
درصد	۷/۳۲	۶/۴۰	۸/۹۲	۸/۴۶	۵/۹۴	۷/۳۲	۵/۹۴	۵۰/۳۴	۴۹/۶۵	۱۰۰	۱/۰۱
مجموع	۱۰۷	۹۰	۱۰۱	۱۴۳	۱۱۹	۱۱۰	۱۰۱	۷۷۱	۱۰۰۲	۱۷۷۳	۰/۷۶
درصد	۶/۰۳	۵/۰۷	۵/۶۹	۸/۰۶	۶/۷۱	۶/۳۰	۵/۶۹	۴۳/۴۸	۵۶/۵۱	۱۰۰	۰/۷۶

سؤال دوم: پرسش‌های کتاب خوانداری پایه‌های دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم دوره ابتدایی به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های هوش اخلاقی درگیر می‌سازد؟

با توجه به نتیجه حاصل از تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با پرسش‌های کتاب خوانداری پایه دوم، سوم، پنجم و ششم (۰/۸۵، ۰/۸۱، ۰/۹۲ و ۰/۹۰) در جدول شماره ۲، می‌بینیم که ضریب درگیری عددی بزرگتر از ۰/۵ است و نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که بیشتر از ۲۵ درصد پرسش‌ها به هوش اخلاقی پرداخته‌اند. بنابراین ضریب درگیری پرسش‌های این کتاب‌ها از لحاظ پرورش مهارت هوش اخلاقی به صورت نیمه‌فعال می‌باشد و در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند. با توجه به نتیجه حاصل از تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با پرسش‌های کتاب خوانداری پایه چهارم (۱/۰۵) در جدول شماره ۲، می‌بینیم که ضریب درگیری عددی بزرگتر از ۱ است و نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که بیشتر از ۵۰ درصد واحدهای تحلیل به هوش اخلاقی توجه داشته‌اند. بنابراین ضریب درگیری پرسش‌های کتاب خوانداری چهارم ابتدایی از لحاظ توجه به مؤلفه‌های هوش اخلاقی به صورت فعال می‌باشد و در حد مطلوبی قرار

دارد و در بین کتاب‌های خواننداری دوره ابتدایی، پرسش‌های کتاب خواننداری پایه چهارم بیشترین ضریب درگیری را به خود اختصاص داده است. همچنین از مجموع ۸۶۷ واحد مورد تحلیل پرسش‌ها، ۴۱۳ واحد تحلیل مشمول مؤلفه هوش اخلاقی می‌گردند که این تعداد از مؤلفه‌های هوش اخلاقی برابر ۴۷/۶۳ درصد کل پرسش‌های کتب مذکور می‌باشد و از هفت مؤلفه هوش اخلاقی که مورد بررسی قرار گرفت، مؤلفه احترام با ۸/۸۳ درصد فراوانی، بیشترین درصد فراوانی و مؤلفه همدلی با ۵/۷۶ درصد فراوانی، کمترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۲: فراوانی مؤلفه‌های هوش اخلاقی در پرسش‌های کتب خواننداری دوره ابتدایی

مؤلفه‌ها	همدلی	وجدان	خوبشستن داری	احترام	مهربانی	بردباری	انصاف	واحد‌های مرتبط	واحد‌های غیرمرتبط	واحد‌های تحلیل (ISE)	ضریب درگیری
پایه دوم	۱۲	۷	۱۷	۸	۱۱	۵	۳	۶۳	۷۴	۱۳۷	۰/۸۵
درصد	۸/۷۵	۵/۱۰	۱۲/۵۹	۵/۸۳	۸/۰۲	۳/۶۴	۲/۱۸	۴۵/۹۸	۵۴/۰۱	۱۰۰	۰/۸۵
پایه سوم	۵	۱۲	۹	۱۱	۱۵	۱۲	۸	۷۲	۷۹	۱۵۱	۰/۹۱
درصد	۳/۳۱	۷/۹۴	۵/۹۶	۷/۲۸	۹/۹۳	۷/۹۴	۵/۲۹	۴۷/۶۸	۳۱/۵۲	۱۰۰	۰/۹۱
پایه چهارم	۱۷	۹	۱۲	۱۱	۱۶	۸	۲۱	۹۴	۸۹	۱۸۳	۱/۰۵
درصد	۹/۲۸	۴/۹۱	۶/۵۵	۶/۰۱	۸/۷۴	۴/۳۷	۱۱/۴۷	۵۱/۳۶	۴۸/۶۳	۱۰۰	۱/۰۵
پایه پنجم	۹	۱۴	۱۹	۱۶	۱۷	۱۴	۱۰	۹۹	۱۰۷	۲۰۶	۰/۹۲
درصد	۴/۳۶	۶/۷۹	۹/۲۲	۷/۷۶	۸/۲۵	۶/۷۹	۴/۸۵	۴۸/۰۵	۵۱/۹۴	۱۰۰	۰/۹۲
پایه ششم	۷	۱۲	۱۷	۱۲	۸	۱۳	۱۶	۸۵	۱۰۵	۱۹۰	۰/۸۰
درصد	۳/۶۸	۶/۳۱	۸/۹۴	۶/۳۱	۴/۲۱	۶/۸۴	۸/۴۲	۴۴/۷۳	۵۵/۲۶	۱۰۰	۰/۸۰
مجموع	۵۰	۵۴	۷۴	۵۸	۶۷	۵۲	۵۸	۴۱۳	۴۵۴	۸۶۷	۰/۹۰
درصد	۵/۷۶	۶/۲۲	۸/۵۳	۸/۸۳	۶/۶۸	۵/۹۹	۶/۶۸	۴۷/۶۳	۵۲/۳۶	۱۰۰	۰/۹۰

سؤال سوم: تصاویر کتاب خواننداری پایه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم دوره ابتدایی به چه

میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های هوش اخلاقی درگیری می‌سازد؟

با توجه به نتیجه حاصل از تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با تصاویر کتاب خواننداری پایه‌های دوم، چهارم و پنجم (۱/۱۸، ۱/۱۹ و ۱/۰۵) در جدول شماره ۳، می‌بینیم که ضریب درگیری عددی بزرگتر از ۱ است و نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که بیشتر از ۵۰ درصد واحدهای تحلیل به هوش اخلاقی توجه داشته‌اند. بنابراین ضریب درگیری تصاویر کتاب خواننداری یادشده از لحاظ توجه به مؤلفه‌های هوش اخلاقی به صورت فعال می‌باشد و در حد مطلوبی قرار دارند. با توجه به نتیجه حاصل از تعیین ضریب درگیری دانش‌آموزان با تصاویر کتاب خواننداری

پایه سوم و ششم (۰/۸۳ و ۰/۸۴) در جدول شماره ۲، می‌بینیم که ضریب درگیری عددی بزرگتر از ۰/۵ است و نشان‌دهنده این موضوع می‌باشد که بیشتر از ۲۵ درصد تصاویر، به هوش اخلاقی پرداخته‌اند. بنابراین ضریب درگیری تصاویر این کتاب‌ها از لحاظ پرورش مهارت هوش اخلاقی به صورت نیمه‌فعال می‌باشد و در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند و در بین کتاب‌های خوانداری دوره ابتدایی، تصاویر کتاب خوانداری چهارم بیشترین ضریب درگیری را به خود اختصاص داده است. همچنین از مجموع ۳۸۴ واحد مورد تحلیل تصاویر، ۱۹۲ واحد تحلیل مشمول مؤلفه هوش اخلاقی می‌گردند که این تعداد از مؤلفه‌های هوش اخلاقی برابر ۵۰/۰۰ درصد کل تصاویر کتب مذکور می‌باشد و از هفت مؤلفه هوش اخلاقی که مورد بررسی قرار گرفت، مؤلفه انصاف با ۱۰/۱۵ درصد فراوانی، بیشترین درصد فراوانی و مؤلفه خویشتن‌داری با ۴/۹۴ درصد فراوانی، کمترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳: فراوانی مؤلفه‌های هوش اخلاقی در تصاویر کتب خوانداری دوره ابتدایی

مؤلفه‌ها	همدلی	وجدان	خویشتن‌داری	احترام	مهربانی	بردباری	انصاف	واحد‌های مرتبط	واحد‌های غیرمرتبط	واحد‌های تعلیل (ISE)	ضریب درگیری
پایه دوم	۷	۴	۱	۴	۸	۲	۶	۳۲	۲۷	۵۹	۱/۱۸
درصد	۱۱/۸۶	۶/۷۷	۱/۶۹	۶/۷۷	۱۳/۵۵	۳/۳۸	۱۰/۱۶	۵۴/۲۳	۴۵/۷۶	۱۰۰	۱/۱۸
پایه سوم	۳	۵	۳	۷	۲	۷	۹	۳۶	۴۳	۷۹	۰/۸۳
درصد	۳/۷۹	۶/۳۲	۳/۷۹	۸/۸۶	۲/۵۳	۸/۸۶	۱۱/۳۹	۴۵/۵۶	۵۴/۴۳	۱۰۰	۰/۸۳
پایه چهارم	۹	۴	۶	۳	۵	۶	۴	۳۷	۳۱	۶۸	۱/۱۹
درصد	۱۳/۲۳	۵/۸۸	۸/۸۲	۴/۴۱	۷/۳۵	۸/۸۲	۵/۸۸	۵۴/۴۱	۴۵/۵۸	۱۰۰	۱/۱۹
پایه پنجم	۲	۸	۴	۷	۶	۶	۹	۴۲	۴۰	۸۲	۱/۰۵
درصد	۲/۴۳	۹/۷۵	۴/۸۷	۸/۵۳	۷/۳۱	۷/۳۱	۱۰/۹۷	۵۱/۲۱	۴۸/۷۸	۱۰۰	۱/۰۵
پایه ششم	۷	۴	۵	۶	۴	۸	۱۱	۴۵	۵۱	۹۶	۰/۸۴
درصد	۷/۲۹	۴/۱۶	۵/۲۰	۶/۲۵	۴/۱۶	۸/۳۳	۱۱/۴۵	۴۶/۸۷	۵۳/۱۲	۱۰۰	۰/۸۴
مجموع	۲۸	۲۵	۱۹	۲۷	۲۵	۲۹	۳۹	۱۹۲	۱۹۲	۳۸۴	۱/۰۰
درصد	۷/۲۹	۶/۵۱	۴/۹۴	۷/۰۳	۶/۵۱	۷/۵۵	۱۰/۱۵	۵۰/۰۰	۵۰/۰۰	۱۰۰	۱/۰۰

سؤال چهارم: محتوای کتاب خوانداری (متن، پرسش‌ها و تصاویر) پایه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم دوره ابتدایی به چه میزان دانش‌آموزان را با مؤلفه‌های هوش اخلاقی درگیر می‌سازد؟ با توجه به نتیجه حاصل از تعیین مجموع میزان ضرایب درگیری دانش‌آموزان با محتوای کتاب‌های خوانداری دوره ابتدایی (خوانداری دوم: ۰/۶۹، خوانداری سوم: ۰/۷۵، خوانداری چهارم: ۰/۸۱، خوانداری پنجم: ۰/۹۰ و خوانداری ششم: ۰/۹۳) می‌بینیم که ضریب درگیری

هر پنج کتاب عددی بزرگتر از ۰/۵ است و نشان‌دهنده این است که بیش از ۲۵ درصد واحدهای تحلیل این کتاب‌ها به مؤلفه‌های هوش اخلاقی پرداخته‌اند. بنابراین ضریب درگیری کتاب‌های خواننداری دوره ابتدایی از لحاظ پرداختن به هوش اخلاقی به صورت نیمه‌فعال می‌باشد و در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند و در بین کتاب‌های خواننداری دوره ابتدایی، کتاب خواننداری ششم بیشترین ضریب درگیری را به خود اختصاص داده است. همچنین از مجموع ۳۰۳۲ واحد مورد تحلیل از محتوای (متن، پرسش‌ها و تصاویر)، ۱۳۷۵ واحد تحلیل مشمول مؤلفه‌های هوش اخلاقی می‌گردند که این تعداد از مؤلفه‌های هوش اخلاقی برابر ۴۵/۳۴ درصد کل محتوای کتب مذکور می‌باشد و از هفت مؤلفه هوش اخلاقی که مورد بررسی قرار گرفت، مؤلفه احترام با ۸/۴۸ درصد فراوانی، بیشترین درصد فراوانی و مؤلفه وجدان با ۵/۲۴ درصد فراوانی، کمترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۴: فراوانی مؤلفه‌های هوش اخلاقی در محتوای کتب خواننداری دوره ابتدایی

مؤلفه‌ها	معدلی	وجدان	خوبیستن‌داری	احترام	مهربانی	بزداری	انصاف	واحدهای مرتبط	واحدهای غیرمرتبط	واحدهای تحلیل	ضریب درگیری (ISE)
پایه دوم	۲۹	۱۸	۳۴	۳۳	۳۸	۲۱	۲۶	۱۹۹	۲۸۷	۴۸۶	۰/۶۹
درصد	۶/۰۷	۳/۷۷	۷/۱۲	۶/۹۱	۷/۹۶	۴/۴۰	۵/۴۵	۴۱/۷۱	۶۰/۱۶	۱۰۰	۰/۶۹
پایه سوم	۳۲	۲۹	۲۰	۴۵	۴۰	۳۰	۳۶	۲۳۲	۳۰۸	۵۴۰	۰/۷۵
درصد	۶/۰۲	۵/۴۶	۳/۷۶	۸/۴۷	۷/۵۳	۵/۶۴	۶/۷۷	۴۱/۹۹	۵۸/۰۰	۱۰۰	۰/۷۵
پایه چهارم	۴۷	۱۹	۳۵	۴۰	۴۵	۳۹	۴۳	۲۶۸	۳۲۹	۵۹۷	۰/۸۱
درصد	۷/۷۴	۳/۱۳	۵/۷۶	۶/۵۸	۷/۴۱	۶/۴۲	۷/۰۸	۴۵/۷۹	۵۴/۲۰	۱۰۰	۰/۸۱
پایه پنجم	۴۰	۴۹	۴۴	۵۵	۵۰	۴۸	۴۰	۳۲۶	۳۶۰	۶۸۶	۰/۹۰
درصد	۵/۸۳	۷/۱۴	۶/۴۱	۸/۰۱	۷/۲۸	۶/۹۹	۵/۸۳	۴۷/۵۲	۵۲/۴۷	۱۰۰	۰/۹۰
پایه ششم	۴۶	۴۴	۶۱	۵۵	۳۸	۵۳	۵۳	۳۵۰	۳۷۳	۷۲۳	۰/۹۳
درصد	۶/۳۶	۶/۰۸	۸/۴۳	۷/۶۰	۵/۲۵	۷/۳۳	۷/۳۳	۴۸/۴۰	۵۱/۵۹	۱۰۰	۰/۹۳
مجموع	۱۹۴	۱۵۹	۱۹۴	۲۲۸	۲۱۱	۱۹۱	۱۹۸	۱۳۷۵	۱۶۵۷	۳۰۳۲	۰/۸۲
درصد	۶/۳۹	۵/۲۴	۶/۳۹	۷/۵۱	۶/۹۵	۶/۲۹	۶/۵۳	۴۵/۳۴	۵۴/۶۵	۱۰۰	۰/۸۲

بحث و نتیجه‌گیری

هوش اخلاقی به‌عنوان یکی از روش‌های مهم به منظور توانمندسازی دانش‌آموزان برای حل مسائل و مشکلات زندگی و دستیابی به جامعه بانشاط و سالم می‌تواند بر رفتارهای اخلاقی کودکان و دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد، به رشد آنها کمک کند و یادگیری در مدرسه را بهبود بخشد. با توجه به اینکه دانش‌آموزان دوره ابتدایی مسائل اخلاقی را با استفاده از شعر، داستان و

تصاویر بهتر می‌آموزند، کتاب‌های درسی به ویژه کتاب‌های خوانداری، فارسی و ادبیات با استفاده از این قابلیت می‌توانند به مؤلفه‌های هوش اخلاقی بپردازند. از این رو پژوهش حاضر به بررسی مؤلفه‌های هوش اخلاقی بوربا در کتاب‌های خوانداری دوره ابتدایی پرداخته است. براساس یافته‌های به دست آمده از جدول شماره (۱) می‌توان نتیجه گرفت که ضریب درگیری دانش-آموزان با متن کتب خوانداری دوره ابتدایی به صورت نیمه‌فعال می‌باشد. در این میان کتاب خوانداری ششم بیشترین ضریب درگیری و کتاب خوانداری دوم کمترین ضریب درگیری را به خود اختصاص داده‌اند. از این رو متن کتاب‌های یادشده از نظر میزان برخورداری از مؤلفه‌های هوش اخلاقی در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند و در زمینه داشتن سیر توالی و عرضه مطالب مرتبط با هوش اخلاقی روند افزایشی داشته و از نظم ویژه‌ای پیروی می‌کنند. به صورتی که مفاهیم مرتبط با هوش اخلاقی همگام با افزایش پایه تحصیلی از عمق و توسعه بیشتری برخوردار می‌شوند. در این زمینه یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش لئیک و کیل (۲۰۱۳) همسوست؛ زیرا به باور آنها رشد اخلاقی یک فرایند در حال پیشرفت در زندگی افراد می‌باشد که با پیشرفت افراد و گذشت زمان افزایش می‌یابد.

افزون بر این، نتایج حاصل از تحلیل پرسش‌ها در جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که ضریب درگیری دانش‌آموزان با پرسش‌های کتب خوانداری دوره ابتدایی از پایه دوم تا چهارم سیر صعودی داشته، اما پرسش‌های پایه پنجم و ششم نوعی سیر نزولی را طی کرده‌اند. به صورتی که کتاب خوانداری چهارم بیشترین ضریب درگیری و کتاب خوانداری ششم کمترین ضریب درگیری را به خود اختصاص داده‌اند. از این رو پرسش‌های کتب مورد نظر در زمینه داشتن سیر توالی و عرضه مطالب مرتبط با هوش اخلاقی از نظم ویژه‌ای پیروی نکرده و از نظر میزان توجه به مؤلفه‌های هوش اخلاقی به صورت نیمه‌فعال بوده و در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند. همچنین براساس نتایج به دست آمده از جدول شماره (۳) می‌توان دریافت که ضریب درگیری دانش‌آموزان با تصاویر کتب خوانداری دوره ابتدایی از نظر میزان پرداختن به مؤلفه‌های هوش اخلاقی به صورت فعال بوده و در سطح مطلوبی قرار دارند، اما باید در نظر داشت که ضریب درگیری تصاویر روند افزایشی نداشته و در زمینه داشتن سیر توالی و عرضه مطالب مرتبط با هوش اخلاقی از نظم ویژه‌ای پیروی نمی‌کنند؛ زیرا از میان کتاب‌های مورد بررسی، کتاب خوانداری چهارم بیشترین ضریب درگیری و کتاب خوانداری کمترین ضریب درگیری را به خود اختصاص داده‌اند. در این راستا یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش حسنی (۱۳۹۳) و بحرانی (۱۳۸۲) همسو می‌باشد؛ زیرا به باور آنها روال مشخصی در ارائه مفاهیم ارزشی در کتاب‌های دوره ابتدایی وجود ندارد و بررسی تاریخی روند برنامه درسی تربیت اخلاقی در ایران نشان داده است که از

گذشته‌های دور این نظم منطقی و روان‌شناختی آنچنان مدنظر برنامه‌ریزان و مؤلفان کتب درسی نبوده است.

براساس یافته‌های جدول شماره (۴) می‌توان نتیجه گرفت که ضریب درگیری دانش‌آموزان با محتوای کتب خوانداری دوره ابتدایی از نظر میزان برخورداری از مؤلفه‌های هوش اخلاقی به صورت نیمه‌فعال بوده و در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارند. همچنین با مشاهده ضریب درگیری‌های به دست آمده می‌توان گفت ضریب درگیری دانش‌آموزان با محتوای کتاب‌های خوانداری دوره ابتدایی روند افزایشی داشته است. به صورتی که کتاب خوانداری ششم بیشترین ضریب درگیری و کتاب خوانداری دوم کمترین ضریب درگیری را به خود اختصاص داده‌اند. از این رو می‌توان گفت که محتوای کتاب‌های مورد پژوهش در زمینه داشتن سیر توالی و عرضه مطالب مرتبط با هوش اخلاقی از نظم ویژه‌ای پیروی می‌کنند و مفاهیم مرتبط با هوش اخلاقی در این کتاب‌ها همگام با افزایش پایه تحصیلی از عمق و توسعه بیشتری برخوردار می‌شوند. در این راستا یافته‌های پژوهش حاضر با نتیجه پژوهش عابدینی بلترک (۱۳۹۸)، یادگاری و همکاران (۱۳۹۸)، حسنی و وجدانی (۱۳۹۵)، افکاری (۱۳۹۳) و حکیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) همسو نمی‌باشد؛ زیرا به باور آنها علی‌رغم تأکیدهای بسیار بر لزوم ایجاد شرایط برای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان در اسناد بالادستی نظام آموزش و پرورش، در عمل برای استفاده از راهبرد مناسب در زمینه تربیت اخلاقی و ایجاد تناسب بین اهداف، محتوا، روش‌ها و ابزار اقدامات لازم صورت پذیرفته است و در کتب درسی به مسئله مهمی چون تربیت اخلاقی به‌طور جدی و علمی پرداخته نشده است.

افزون بر مطالب یادشده، باید در نظر داشت که میزان توجه متن، پرسش‌ها، تصاویر و محتوا (مجموع متن، پرسش‌ها و تصاویر) کتب خوانداری به مؤلفه‌های هوش اخلاقی به یک میزان نمی‌باشد؛ به‌صورتی که در متن کتاب‌های خوانداری، مؤلفه احترام بیشترین و مؤلفه وجدان کمترین فراوانی، در پرسش‌ها مؤلفه احترام بیشترین و مؤلفه همدلی کمترین فراوانی، در تصاویر مؤلفه انصاف بیشترین و مؤلفه خویشتن‌داری کمترین فراوانی و در محتوا مؤلفه‌های احترام و مهربانی بیشترین و مؤلفه‌های همدلی، وجدان، خویشتن‌داری، بردباری و انصاف کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. در این راستا یافته‌های پژوهش حاضر با نتیجه پژوهش آتشک و همکاران (۱۳۹۱) و رستمی (۱۳۹۰) همسوست؛ زیرا آنها نیز معتقدند که در کتاب‌های هدیه‌های آسمان دوره ابتدایی بیشترین توجه به مؤلفه‌های مهربانی و ادب و کمترین میزان توجه به مؤلفه انصاف بوده است. از سوی دیگر، نتیجه پژوهش حاضر با یافته‌های بوربا (۱۳۹۰) همسو نیست؛ زیرا به باور او اساس هوش اخلاقی را سه مؤلفه همدلی، وجدان و خویشتن‌داری تشکیل می‌دهد، در صورتی که در کتاب‌های خوانداری به این سه مؤلفه کمتر از دیگر مؤلفه‌ها توجه شده است.

از این رو مشخص می‌شود که در کتاب‌های خوانداری دوره ابتدایی در حد مطلوب و به صورت فعال به مؤلفه‌های هوش اخلاقی پرداخته نشده است و با آگاهی از اهمیت هوش اخلاقی مشخص می‌شود که ضرورت پرداختن به آن در جهان امروزی دوچندان می‌باشد؛ زیرا در سال‌های اخیر بسیاری از برنامه‌های درسی مدارس جهان پرداختن به هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن را محور اساسی برنامه‌های درسی مدارس خود قرار داده و می‌کوشند با پرداختن به هوش اخلاقی زمینه‌های لازم برای تحقق آن و ایجاد شرایط خوب و رضایت‌بخش همراه با کامیابی را در فراگیران ایجاد نمایند؛ زیرا برنامه درسی مدارس نقش مهمی در ارتقای هوش اخلاقی دانش‌آموزان داشته و می‌تواند بستر مناسب و مقدمات لازم جهت توسعه رفتارهای اخلاقی را فراهم کنند.

حال با در نظر گرفتن جنبه‌های مفید و کاربردی هوش اخلاقی و با توجه به متمرکز بودن نظام آموزش و پرورش کشورمان و همچنین توجه به وضعیت اخلاقی جامعه، داشتن نوعی رویکرد به هوش اخلاقی در برنامه درسی مدارس برای نظام آموزشی ما لازم و ضروری می‌باشد تا بتواند مفاهیم اخلاقی را بسط و گسترش دهد. اگرچه برنامه‌های درسی موجود آن‌چنان که باید به این موضوع توجه نکرده‌اند، به‌کارگیری این رویکرد در مدارس نیازمند پیوند مؤلفه‌های مورد نظر حول محور مفاهیمی است که از ظرفیت و توانایی لازم برای لحاظ کردن آنها برخوردار باشد. توجه به این ارزش‌های بنیادین مانند، احترام، خویشتن‌داری، بردباری و انصاف می‌تواند یک چهارچوب نظری ایجاد کرده و تأیید کند که بخش بزرگی از این ارزش‌ها رسالت آموزش و پرورش می‌باشد تا ضمن آگاهی به افراد در مدارس، توان آن‌ها را برای ساختن جامعه‌ای بهتر فراهم کند. بنابراین داشتن برنامه‌ای درسی که رویکرد و الگویی از هوش اخلاقی را در دستور کار قرار دهد؛ امری لازم جهت تقویت هوش اخلاقی فراگیران است که باید در آن هدف، روش، محتوا و هرآنچه که نامناسب است حذف شده و موارد مناسب جایگزین شود.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر بازنگری کتاب‌های درسی در زمینه پرداختن به مؤلفه‌های هوش اخلاقی ضرورتی انکارناپذیر می‌باشد و از آنجا که کودکان امروز کارگزاران آینده می‌باشند و هوش اخلاقی یکی از مسائل اساسی در حوزه تعلیم و تربیت می‌باشد، لازم است جامعه آموزشی از نقش خود در قبال هدایت نسل جدید برای حل مشکلات اخلاقی جهان امروز و فردا آگاه گردد. بنابراین در فرایند جهانی‌شدن برنامه‌های درسی مدارس باید به هوش اخلاقی کودکان و نوجوانان توجه نمایند و با فراهم کردن زمینه‌های لازم این مهم را تحقق بخشند. از این رو نظام آموزشی باید با آشنا کردن دانش‌آموزان با هوش اخلاقی و تأثیر آن در زندگی، آنها را افرادی اخلاقی تربیت نماید؛ زیرا آموزش و پرورش ظرفیت لازم به منظور اجرای برنامه هوش اخلاقی در راستای فراهم کردن شرایط و ملزومات مورد اشاره را داشته و روشن است که چنین

نظامی برای موفقیت نیازمند به‌روزرسانی خواهد بود که این مهم همت بیشتری را از سوی برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی و عالمان و عاملان آموزشی می‌طلبد.

با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، به مؤلفان کتب درسی توصیه می‌شود در متن کتب خواننداری دوره ابتدایی به مؤلفه‌های وجدان و خویشتن‌داری، در پرسش‌ها به مؤلفه‌های همدلی و بردباری و در بخش تصاویر نیز به مؤلفه خویشتن‌داری بیشتر پرداخته شود.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که محتوای کتاب‌های خواننداری دوره ابتدایی براساس الگوی مشخصی در زمینه هوش اخلاقی تدوین نشده‌اند. بنابراین به مؤلفان و برنامه‌ریزان کتاب‌های درسی توصیه می‌شود که ساختار کتاب‌های درسی خواننداری را با استناد به الگوهای نوین هوش اخلاقی از جمله الگوی هوش اخلاقی بوربا سازمان‌دهی نمایند. همچنین می‌توان به کمک آموزش‌های ضمن خدمت اهمیت توجه به مفاهیم مرتبط با هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن را برای معلمان تشریح کرد تا در فرصت‌ها و مناسبت‌های گوناگون برای دانش‌آموزان موضوع هوش اخلاقی را تبیین نمایند. افزون بر موارد یادشده، به پژوهشگران توصیه می‌شود که به تدوین یک برنامه درسی در راستای آموزش هوش اخلاقی در مدارس پردازند و محتوای دیگر کتاب‌های درسی را از دیدگاه الگوی هوش اخلاقی بوربا ارزیابی نمایند. از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به کمبود پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بررسی هوش اخلاقی در کتاب‌های درسی اشاره نمود و از آنجا که در این پژوهش به بررسی کتاب‌های خواننداری دوره ابتدایی پرداخته شد این امکان وجود دارد که تعمیم یافته‌ها به دیگر کتاب‌ها با محدودیت مواجه شود.

فهرست منابع

- Abedini Belterk, M. (2019). The study of the position of moral education in elementary school textbooks; A content analysis study. *Journal of Islamic Education*, 28 (48): 187-171. (Text in Persian).
- Afkari, F. (2014). *Critique of Ethical Education Approaches in Elementary School Read in textbooks, write, Quran, gifts of heaven, social education, and curriculum pattern design*. Ph.D. Thesis. Tehran: Allameh Tabatabai University. (Text in Persian).
- Altan, M.Z. (2017). Moral intelligence for more diverse and democratic world. *Journal of Education Studies*, 7 (3): 197-209.
- Amirteimoury, M.H., Zare, M., Sarikhani, R. and Salari, M. (2014). An Investigation on the Conformity Degree of the Second Grade of Elementary School's Science and Experimental Book with Creativity Components and High Levels of Bloom's Cognitive Domain. *Journal of Innovation and Creativity in the Humanities*, 3 (3): 161-186. (Text in Persian).
- Arif, A.H., Din, M. and Saleem, Z. (2019). Exploring gender differences in moral intelligence and its effects on the learning outcomes of second year college students. *Journal of Global Regional Review*, 5 (3): 360-366.



- Atashk, M., Toofan, M. and Ahmadi, A. (2012). Quantitative Content Analyze of Approved Ethical Purposes in Primary Education. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 7 (4): 1-10 (Text in Persian).
- Attaran, M. (2003). Comparison of two approaches in religious education with emphasis on the element of ethics. *Proceedings of the Conference on the Pathology of Religious Education in Education*. (Text in Persian).
- Bahrani, M. (2018). Content analysis of elementary school textbooks in terms of teaching moral, social and religious values. *Second International Conference on Psychology, Counseling, Education*. (Text in Persian).
- Borba, M. (2005). *Building Moral Intelligence: The Seven Essential Virtues that Teach Kids to Do the Right Thing*. The University of Michigan.
- Borba, M. (2018). Nine Competencies for Teaching Empathy. *Journal of Educational Leadership*, 76 (2): 22-28.
- Borba, M. (2011). *Cultivation of moral intelligence*. Translated by Firoozeh Kavousi. Tehran: Roshd Publications. (Text in Persian).
- Delbari, S.H., Fallah, V. and Saffarian Hamedani, S. (2015). The effect of components of moral intelligence based on the approach of Islamic education mediated by social capital on students' self-awareness. *Journal of Social Psychology*, 8 (56): 11 -1. (Text in Persian).
- Doranjafi Shirazi, M., AliAkbari, M. and Alipour, A. (2014). The effectiveness of storytelling on the components of moral intelligence of preschool girls in Isfahan. *Journal of Social Cognition*, 3 (6): 33-43. (Text in Persian).
- Gini, G., Pozzoli, T. and Hymel, S. (2014). Moral disengagement among children and youth: A meta analytic review of links to aggressive behavior. *Journal of Aggressive behavior*, 40 (1): 56-68.
- Giordmaina, J. and Zammit, L. (2019). Shaping the identity of the new Maltese through ethics education in Maltese Schools. *Journal of Education Sciences*, 9 (4): 253.
- Golmohammadian, M., Farhabaksh, K. and smaili, M. (2013). Study the effectiveness of moral, cultural and spiritual intelligence on marital satisfaction. *Journal of Family Counselling and Psychotherapy*, 3 (2): 233-209.
- Gotek, G.L. (1398). *Philosophical schools and educational opinions*. Translation: Mohammad Jafar Paksoresht, Tehran: Samat Publications. (Text in Persian).
- Haghighat, Sh. and Mazidi, M. (2008). Study and evaluation of the philosophical background and educational methods of four approaches to contemporary moral education. *Journal of Religious Thought*, 8 (26): 134-105. (Text in Persian).
- Hakimzade, R., Malekipoor A. and Maemarhor, J. (2014). Evaluation factors affecting the establishment and strengthening of moral values (case study: secondary school teachers in Dehloran). *Journal of Quarterly Ethics*, 2 (37): 82-107. (Text in Persian).
- Hassani, M. (2014). A study of the evolution of the moral education curriculum in Iran with emphasis on the general course. *Journal of Curriculum Studies*. 9 (33): 57-92. (Text in Persian).
- Hassani, M. and Vajdani, F. (2016). A Study and Critique of the Model of Moral Education in Elementary School Quran Teaching Books. *Journal of Islamic Education*, 4 (2): 137-161. (Text in Persian).
- Hayatbakhsh, S., Ansar Foumani, Gh. and Hejazi, M. (2020). The effectiveness of moral intelligence training on academic ethics and academic self-efficacy of

- 10th grade female students in public schools. *Journal of Educational Psychology*, 16 (56): 156-131. (Text in Persian).
- Javadinejad, A., Haidir, A., Naderi, F., Bakhtiarpour, S. and Hafezi, F. (2018). The effectiveness of moral intelligence training on psychological well-being of high school students. *Journal of Bioethics*, 7 (29): 54-62. (Text in Persian).
- Jennifer, B. (2020). Fostering Moral Understanding, Moral Inquiry & Moral Habits through Philosophy in Schools: A Deweyian Analysis of Australia's «Ethical Understanding» Curriculum. *Journal of Curriculum Studies*, 51(1): 84-100
- Kahrizeh, M., Rezaian Faraji, H. and ZandiPour, T. (2018). The effect of storytelling on moral intelligence and its components in first grade elementary school female students. *Journal of Child Mental Health*, 5 (2): 92-81. (Text in Persian).
- Khaleghi, N. and Chenari, M. (2015). The relationship of ethical intelligence with Altruism. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 10 (4): 4-55. (Text in Persian).
- Lennick, D. and Kiel, F. (2013). *Moral intelligence: enhancing business performance and leadership success in turbulent times*. New York: Prentice Hal.
- Lotfabadi, H. (2005). Critique of the theories of moral development of Piaget, Kohlberg and Bandura and presenting a new model for research on the moral development of Iranian students. *Journal of Educational Innovation*, 4 (11): 110-79. (Text in Persian).
- Malone, D. M. (2020). Ethics education in teacher preparation: a case for stakeholder responsibility. *Journal of Ethics and Education*, 15(1): 77-97
- Moshfeghi, M. and Latifi, Z. (2019). The effectiveness of the educational package, cultivating life skills based on Islamic principles with an active method on the moral intelligence of female students. *Journal of Applied Issues in Islamic Education*, 4 (1): 162-145. (Text in Persian).
- Narvaez, D. (2013). The future of research in moral development and education. *Journal of Moral Education*, 42(1): 1-11.
- Rezapour Mirsaleh, Y. and Shahedi, S. (2017). The effectiveness of moral intelligence training through storytelling on improving moods and learning behaviors of female elementary school students. *Journal of Applied Psychology*, 11 (3): 194-175. (Text in Persian).
- Rezapour Mirsaleh, Y., Kheradmand, T. and Shahedi, S. (2017). The effectiveness of moral intelligence training on social performance and behavioral problems. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 12 (4): 62-51. (Text in Persian).
- Romey, Wiliyam. (1968). *Inquiry techniquis for teaching Science*. London: Prenticehall
- Rostami, S.H. (2011). *Content Analysis of the Book of Heavenly Gifts of the Elementary School from the Perspective of Universal Ethical Components*. Master Thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, South Tehran Branch. (Text in Persian).
- Sajjadi, S.M. (2000). Ethical and value education. *Journal of Philosophical Theological Research*, 3: 165-142. (Text in Persian).
- Saleh, K. (2018). Moral Intelligence and its Role in Formulating Children Characters. *Journal of Education and Science Publications*, 7: 301-313.
- Shamshiri, B. (2020). *Moral Education Theoretical Foundations and Curriculum*. Shiraz: Reflection of Culture. (Text in Persian).
- Shannon, A., Bowena, Ch., Flora, H.B., Yi-Ru, R. Ch. and Claudia, A. (2016). Ethics as a precursor to organization–public relationships: Building trust before and during the OPR model. *Journal of Cogent Social Sciences*, 2 (1): 23-37.

- Shokoohi, G.H. (2011). *Principles and principles of education*. Mashhad: Astan Quds Razavi Publications. (Text in Persian).
- Tanner, C. and Christen, M. (2014). *Moral intelligence A framework for understanding moral competences*. Springer International Publishing.
- Tom., AR. (1984). *Teaching as a moral craft*. New York: Addison-Wesley Longman.
- Yadegari, M., Salehi, S. and Sajjadih N.S. (2019). Presentation of data foundation theory to explain the current processes of moral education in high schools in Tehran. *Journal of Applied Issues in Islamic Education*, 4 (2): 137-125. (Text in Persian).



© 2022 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

